

بازشناسی تطبیقی اسباب و روش حل اختلاف اخبار از منظر فریقین

ابوالحسن رزاقی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷

چکیده

علم مختلف الحدیث، از مباحث مهم در علوم حدیثی، به بررسی روایات متعارض در یک موضوع واحد می‌پردازد و راهکارهایی برای رفع این تعارض ارائه می‌دهد. اهمیت این موضوع از دیرباز مورد توجه هر دو گروه (فریقین) بوده است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی، به بررسی علل و روش‌های حل تعارض روایات از دیدگاه فریقین می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در مبحث مختلف الحدیث، دو حوزه اصلی نیازمند بررسی دقیق است: نخست، علل تعارض روایات که در دو بخش اختصاصی و مشترک بین فریقین مورد واکاوی قرار می‌گیرد؛ دوم، روش‌های حل تعارض روایات که بر اساس دیدگاه‌های اختصاصی و مشترک فریقین دسته‌بندی و بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: اختلاف الحدیث، مختلف الحدیث، مشکل الحدیث، شیعه، اهل سنت

۱. دانش آموخته سطح ۳ مذاهب اسلامی، مرکز تخصصی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) رزاقی، razaghiabulhasan@gmail.com

مقدمه

حدیث و سنت در فرهنگ اسلامی جایگاه رفیعی دارد و مصدر دوم تشریح اسلامی محسوب می‌شود و جمهور مسلمین از همه طوائف بر حجیت و قداست حدیث متفق القول هستند و نسبت به الفاظ و عباراتی که از حدیث نقل می‌شود، خود را ملترزم می‌دانند.

روش شیعه بدان گونه است که به حدیث وارده از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام اعتماد می‌کنند و این اعتماد مبتنی بر اصول و قواعدی است که عبارت است از فحص و بررسی حال راویان حدیث؛ به این معنا که بعد از حصول اطمینان از ثقه بودن راویان یا از موثوق الصدور بودن حدیث، با امارات و نشانه‌های موجود در حدیث به آن اطمینان می‌کنند. در نتیجه آنچه که برای مذهب امامیه در حجیت حدیث اهمیت دارد و مورد ملاک قرار می‌گیرد، احراز صدور حدیث از معصوم عَلَيْهِ السَّلَام است.

یکی از اهدافی که این مقاله در پی آن است، اثبات این مدعاست که اختلاف اخبار، آن را از حجیت ساقط نمی‌کند بلکه راهکارهای علمی و فنی موجود در علم حدیث مشکل اختلاف را از سر راه حدیث برمی‌دارد و راه کشف حکم فقهی و استنباطات اجتهادی را برای فقیه هموار می‌سازد.

شناخت احادیث اختلافی و روش جمع و پیوند بین آنها و یا ترجیح یکی بر دیگری و شناخت عواملی که موجب اختلاف حدیث می‌شود، اهل تحقیق را بر آن داشته تا پژوهشی در خور را به سامان برسانند.

در حال حاضر میان پژوهشگران شیعه، کتابی که به طور مستوفی توانسته ابعاد مختلف و متنوع این بحث را با تحقیق و بررسی عالمانه ارائه دهد، کتاب «اسباب اختلاف الحدیث» از محمد احسانی فر لنگرودی است که در این زمینه سعی وافری را به خرج داده و بیش از هشتاد نوع اختلاف و راهکار حل آن را مورد بررسی قرار داده است.

از میان اهل سنت معاصر نیز، کتاب «منهج التوفيق الترجیح بین مختلف الحدیث و اثره فی الفقه الاسلامی» از عبدالمجید محمد اسماعیل السوسوة را می‌توان نام برد.

در کنار کتاب‌های فوق، مقالات گوناگونی نیز در این موضوع به نگارش در آمده که

عنوان برخی از آنان عبارت است از:

- ۱- «الإمام الشافعی و منهجه فی درء التعارض» نویسنده: القصاب، حسن مجله: دارالحدیث الحسنية» سال ۱۴۱۸ - ۱۴۱۹ - شماره ۱۵ (صفحه ۳۲۷ تا ۳۸۰)
 - ۲- «اسباب اختلاف الحدیث» نویسنده: فاطمی، سید حسن، مجله فقه اهل بیت» زمستان ۱۳۸۵، شماره ۴۸
 - ۳- «نقش راویان و ناسخان در پیدایش اختلاف حدیث با تاکید بر نوآوری‌های آیت الله سیستانی» نویسنده: علوی، عبیر؛ ایازی، سید محمدعلی؛ میردامادی، سید مجتبی؛ پژوهشنامه قرآن و حدیث شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ (صفحه ۳۰۵-۳۲۴).
- کاری که نویسنده این سطور در بررسی اختلاف الحدیث انجام داده، معرفی اجمالی ابعاد مسئله فوق در دو نگاه شیعه و اهل سنت (بررسی تطبیقی) با تحقیق در نقاط اشتراک و افتراق دو دیدگاه است.

۱. مفهوم شناسی اختلاف الحدیث

اختلاف در لغت به ضدّ اتفاق معنا شده است و «خلاف» مصدر مفاعله است که ناسازگاری و عدم موافقت را گویند (فیومی، ۱۴۰۵ق: ۲۴۵/۱) و خلاف به کسر عبارت است از تضاد داشتن (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۹۰/۹) و در اصطلاح، مختلف الحدیث، علمی است که از احادیث متعارضه که بین مدلول آن احادیث تنافی وجود دارد و ظاهراً در معنا با یکدیگر مخالفند، از کیفیت علاج این تعارض و رفع آن سخن می‌گویند (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ۳۸۷). البته باید توجه داشت که این اختلاف، صفت خود حدیث است و نه گوینده حدیث و گرنه حدیث واحد که نمی‌تواند مختلف باشد بلکه با حدیث دیگری از جهت معنا مخالف است (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق: ۱۲۴).

از نظر اهل سنت، اختلاف الحدیث و یا مشکل الحدیث عبارت است از تعارض ظاهری بین دو یا چند حدیث یا تعارض با نص شرعی (سیوطی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۷) و از این جهت بین شیعه و اهل سنت اشتراک نظر وجود دارد. برخی نیز معنای اختلاف الحدیث را، اختلاف در تأویل و فهم حدیث دانسته‌اند (شوکانی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۰/۵).

حدیث مضطرب که نام دیگری برای اختلاف الحدیث است، از نظر شیعه عبارت است از هر حدیثی که در سند و متن مختلف باشد (غفاری، ۱۳۶۹ش: ۷۰). حال این اختلاف از

جانب راویان متعدد باشد یا راوی واحد یا از مؤلفین کتاب که نتیجه آن مشتبه شدن وضعیت حدیث است (حافظیان بابل، ۱۴۲۵ق: ۹۳/۲).

۲. گونه‌های اختلاف الحدیث

اختلاف الحدیث دارای گونه‌های مختلفی است؛ گاهی اختلاف الحدیث مربوط به راویان در سند از جهت زیاده یا نقصان به حذف راوی؛ تغییر اسم یا اختلاف به وصل، ارسال، انقطاع یا اختلاف در جمع و یا فرد بودن که به آن اختلاف راوی در سند گفته می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق: ۴/۱).

راویان حدیث اگرچه ممکن است از حیث سند و متن، حق حدیث را ادا کرده باشند لکن توانایی آنان از جهات گوناگون معرفه الحدیث، تفاوت‌هایی دارد. برخی راویان از نظر مراتب حفظ و ضبط و نگهداری، دارای مراتب بالایی هستند و برخی دیگر، از مراتب پایین تری برخوردارند. البته صفای ذهن راوی و مراجعه به اصول و قواعد حدیث را نیز باید اضافه کرد که همگی این موارد در متن حدیث تأثیرگذار است (نورالدین عتر، ۱۴۰۶ق: ۳۳۹). گاهی نیز اختلاف الحدیث مربوط به متن حدیث است. این قسم از اختلاف الحدیث عبارت است از زیاده یا نقصان، رفع و وقف در متن حدیث (حافظیان بابل، ۱۴۲۵ق: ۹۳/۲).

۳. اسباب اختلاف الحدیث

بی‌شک اختلافی که در متون حدیثی شاهد آن هستیم علل و اسباب چندی برای آن قابل تصور است که آگاهان به علوم حدیث به توضیح و بیان آن اسباب پرداخته‌اند. اهل تحقیق شیعه اسباب و علل چندی را در موجبات اختلاف الحدیث بر می‌شمرند که برخی عالمان حدیث پژوه هفت سبب (عاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۶۶) و عده‌ای دیگر هشت سبب (صدر، ۱۴۱۷ق: ۲۹/۷) و بعضی نیز حدود ده مورد را ذکر کرده‌اند (سیستانی، ۱۴۱۴ق: ۲۱۷).

۱-۳. اسباب اختصاصی

این اسباب گاهی اسباب اختصاصی بیان شده توسط شیعه و یا اهل سنت است و گاهی بخشی از اسباب اختلاف الحدیث اموری است که به شیعیان و یا اهل سنت اختصاص دارد.

۳-۱-۱. شیعه

یکی از اسباب اختصاصی بیان شده توسط دانشمندان شیعه مباحث مربوط به تقیه است (حافظیان بابلی، ۱۴۲۵ق: ۵۲۷/۲). محقق بحرانی نیز مهم‌ترین دلیل اختلاف اخبار را تقیه نام می‌برد (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۲۲/۶).

با توجه به شرائط زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام و تهدید و فشار خلفای اموی و عباسی و یا گرایش‌های مذهبی که در دوران سلطه سیاسی آنان وجود داشته، موجب شد آن بزرگواران، حکم واقعی را به صراحت نگویند و به حکم ظاهری اکتفا کرده تا مصالحی از جمله حفظ کیان شیعه و دماء مسلمین رعایت شود (بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۹۲/۱۱). برای واضح شدن بحث، مطلبی از زراره نقل شده که از امام باقر علیه‌السلام مسئله‌ای را پرسیدم و آن حضرت جوابش را فرمود. سپس مردی آمد و درباره همان مسئله پرسید، امام جواب دیگری دادند. آنگاه مردی دیگر آمد و پاسخ امام به او، غیر از دو جواب اول و دوم بود. وقتی آن دو مرد بیرون رفتند، گفتم: یا بن رسول الله چند مرد عراقی از شیعیان شما سؤال کردند که به هر کدام جوابی فرمودی غیر از جواب دیگری! امام علیه‌السلام فرمود: ای زراره! این روش برای ما نیکوتر است و برای بقای ما و شما دیرپایتر که اگر بر نظر واحدی اتفاق کنید مردم به شما توجه کنند و بقای ما و شما در خطر بیفتد (صدوق، ۱۳۸۵ق: ۳۹۵/۲).

۳-۱-۲. اهل سنت

بخشی از اسباب اختلاف الحدیث نیز اموری است که اهل سنت به آن پرداخته‌اند. مهمترین این امور عبارتند از:

۳-۱-۲-۱. تأخیر در تدوین حدیث

کتابت در زندگی انسان جایگاه پر اهمیت و با ارزشی را به همراه دارد؛ چرا که موجب حفظ و ماندگاری متون از زوال و از بین رفتن آن است و از سویی حافظه انسان در ضبط و نگهداری با مشکلاتی از جمله فراموشی مواجه است و این مسئله نشان از کارایی کتابت و نویسندگی دارد (ذهبی، ۱۳۸۲ق: ۸۰/۳)؛ بنابراین تأخیر در تدوین حدیث موجب اختلاف در آن می‌گردد.

ابن عساکر می گوید: نقل حدیث از حفظ (عدم تدوین کتب حدیثی)، مشکلاتی را پدید آورد که از جمله آن پیدایش حدیث مرسل، احادیث مقطوع السند و یا اختلاط حدیث، از بین رفتن کتابها در آتش سوزیها یا مدفون شدن آنها بود (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ۲۷۵/۱۴).

۳-۲-۱-۲. توهم و خطاً

وهم و خطاً از اسباب اصلی اختلاف بین احادیث محسوب می شود. با نگاهی به کتب حدیث و سنت تعداد زیادی از راویان ثقه را می یابیم که دچار خطای در ضبط روایت شده اند که البته نوع خطاها نسبت به افراد متفاوت است ولی به دلیل کثرت روایت از یک راوی وهم و خطای او دیده نمی شود؛ و راوی دیگر به دلیل روایت کمی که دارد خطای او قابل مشاهده است (فحل الهیتی، ۱۴۳۰ق: ۱/۱۴). گاهی راوی در حین تحمل حدیث یا اداء آن در شرائطی قرار می گیرد که دچار وهم در حدیث می شود که البته عمومی نیست، بلکه برخی راویان در برخی از زمانها به دلیل اختلاف احوال و اماکن و شیوخ روایت، دچار این مشکل اند که هشیم بن بشیر از آن جمله است (مزی، ۱۴۱۳ق: ۲۸۱/۳۰).

۳-۲-۱-۳. ازدست دادن بینایی

ضبط از روی مشاهده موجب اتقان و استحکام در نقل روایت است؛ بنابراین از دست دادن بینایی بزرگترین مانع برای ضبط است و موجب اخلاص در ضبط می شود. راوی ضابط، روایت را پس از مشاهده، به حافظه می سپارد و در کتابت حدیث ضابطه مند است. نمونه اینگونه راویان که ضابطه مند و عالم به روایت است، عبدالرزاق صنعانی است؛ اما وقتی که در اواخر عمر قوه بینایی خود را از دست داد در ضبط حدیث دچار مشکل شد (محمود طحان، ۱۴۰۳ق: ۲۷۸).

۳-۲-۱-۴. دسیسه زنادقه و قصه سازان

ابن قتیبه از جمله عوامل تخریب و آسیب حدیث را دسیسه زنادقه می داند؛ زیرا حیللهایی که توسط آنان، علیه اسلام شکل گرفته نخستین عامل محسوب می شود. اینان احادیث جعلی و غیر معقول و قصص را وارد حوزه حدیث کردند و با این عمل به دنبال میل عوام

مردم می‌گشتند که به سوی آنان گرایش پیدا کنند (دینوری، ۱۳۹۳ق: ۳۵۷). ابن جوزی در الموضوعات می‌گوید: بیشترین بلا یا در وضع حدیث از جانب قصه‌سازان صورت گرفته است؛ زیرا اینان روایاتی در باب رفاق (برده‌داری) و انفاق با هدف جلب عوام الناس جعل می‌کردند و وقتی از آنان سؤال شد که این‌ها چگونه احادیثی است؟ گفتند: به جهت پاک کردن دل‌های عموم مردم این احادیث را ساخته‌ایم با آنکه به تصریح سلف (از صحابه و تابعین) قصه‌سازی بدعت است (ابن جوزی، ۱۴۱۵ق: ۴۴/۱؛ عسگری، ۱۴۱۳ق: ۴۱۲/۲). ابوحاتم رازی نیز می‌گوید: قصه‌سازان حدیث وضع می‌کردند و آن را به دروغ از ثقات نقل می‌کردند (ابن حبان، ۱۴۰۳ق: ۸۵/۱). همه این امور از اسباب اختلاف الحدیث است.

۳-۲-۵. عدم فرق‌گذاری بین حدیث نبوی و سخن صحابه

در قرون اولیه اسلام، مسلمین به هر حدیثی احتجاج می‌کردند و در این جهت بین حدیث نبوی و سخن صحابه فرقی قائل نبودند و به فتوای صحابه و آراء ایشان عمل می‌کردند. این روش قبول حدیث، اختلافات حدیثی چندی را پدید آورد و هر کسی مبنایی را در این زمینه پذیرفت که در نتیجه تشخیص بین حدیث نبوی و سخن صحابه دشوار گشت و همین امر یکی از اسباب اختلاف حدیث را پدید آورد (جلالی، ۱۴۱۸ق: ۱۳۳).

۳-۲-۲. اسباب اشتراکی

برخی از اسباب اختلاف الحدیث نیز اشتراکی هستند به این معنا که فریقین آنها را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

۳-۲-۱. نقل به معنا

یکی از اسباب اشتراکی اختلاف الحدیث نقل به معناست. این بحث سابقه طولانی در علوم حدیث دارد. ریشه نقل به معنی از آنجا ناشی می‌شود که لفظ حدیث محفوظ نمانده و نمی‌توانسته حفظ شود لذا نقل به معنا رواج یافت (ابوریه، ۱۴۲۰ق: ۲۷۴)؛ به این نحو که راوی از طریق حافظه‌اش و نه از روی کتاب روایت را نقل می‌کند. با این روش، لفظ حدیث مضبوط نیست؛ اگر چه ممکن است در متن اصلی تدوین شده و مضبوط باشد که اگر لفظ حدیث مضبوط بود دیگر نیازی به نقل به معنی وجود نداشت.

جزائری در این مورد می‌گوید: همانا صحابه احادیث را می‌شنیدند ولی نمی‌دانستند که باید آن را تکرار کنند و بعد از سال‌ها که آن احادیث را نقل می‌کردند برای شنونده مشخص می‌شد که این احادیث انضباط لازم را ندارد بلکه فقط معنا را نقل کرده است (جزائری، ۱۳۲۸ق: ۲۹۸)؛ لذا برخی از اهل تحقیق، نقل به معنا و باز گذاشتن دست راوی را عامل دیگری برای اختلاف دانسته‌اند (ابوریه، ۱۴۲۰ق: ۹۷-۹۹).

به این نکته باید توجه داشت که گاهی یک راوی حدیثی را نقل به معنا می‌کند که این کار اختلال ایجاد می‌کند و مقصود از آن حدیث که به منزله علت است، از بین می‌رود. چنانکه در حدیث ذیل که از ابن ابی ذئب نقل شده، این اتفاق افتاده است. وی می‌گوید:

صالح، مولی التوأمة برای من از ابوهیرة نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من صلی علی جنازة فی المسجد فلا شیء علیه» کسی که در مسجد بر جنازه‌ای نماز بخواند گناهی بر او نیست. در برخی نسخه‌ها و کتب حدیثی آمده: (فلا شیء له) یعنی نماز خواندن بر میت در مسجد به نفع او نیست. (برای او ثوابی ندارد) که این مورد تصرف روات در نقل به معنی را می‌رساند (ماهر فحل، ۱۴۲۳ق: ۳۰). نتیجه آنکه، نقل به معنا از نظر آنان امری پذیرفته شده است، اما علمای سلف در حکم نقل به معنی اختلاف کرده‌اند. گروه اندکی از ایشان، حدیث نقل به معنی شده را، مردود می‌دانند و گروهی دیگر در غیر حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را جائز دانسته‌اند اما جمهور اهل سنت نقل به معنی در همه احادیث نبوی را جائز شمرده‌اند؛ به شرط آنکه شخص راوی نسبت به معانی و دقائق آن آگاهی کافی داشته باشد (خطیب بغدادی، ۱۴۲۱ق: ۱۷۳).

۲-۲-۳. تخلیط

یکی دیگر از اسباب اختلاف الحدیث تخلیط است (جدیدی نژاد، ۱۴۲۴ق: ۱۵۰). سخاوی اختلاط را به معنای فساد عقل و عدم نظم در قول و فعل دانسته که به دلیل قرار گرفتن در معرض پیری یا ضررهای بیماری، آبرو یا رنج موت فرزند و سرقت مال ممکن است شخص راوی را دچار اختلاط کند (سخاوی، ۱۳۷۸ق: ۳۶).

در علم الحدیث تخلیط عبارت است از: مخلوط شدن در اسناد و متن. این وضعیت با

موضوع بودن مساوی است اگرچه که خلط به صورت عمدی اتفاق نیفتاده باشد (سند، ۱۴۲۹ق: ۱۴۴؛ کلباسی، ۱۳۷۷ش: ۳۸۶/۳).

نمونه‌ای هر چند از خلط‌ها که در برخی کتب رجال اتفاق افتاده همان است که در کتاب کشی روی داده است. در این کتاب بین اخبار سفیان بن عیینه و سفیان ثوری، خلط صورت پذیرفته چون این دو نفر نزدیک به هم بوده‌اند. خلط بین اخبار زراره و اخبار برادرش حمران و بین اخبار عبدالرحمن بن ابی لیلی و اخبار حجر بن عدی و نیز بین اخبار عبدالله بن عباس و اخبار خزیمه بن ثابت نیز نمونه‌های دیگری در این موضوع هستند (تستری، ۱۴۱۰ق: ۳۸۵/۱۲).

۳-۲-۳. ظهور فرقه‌های انحرافی

برخی از عوامل اختلاف حدیث، ظهور فرقه‌هایی مانند غلات و مبتدعه و اهل فسق است که حدیث وضع می‌کردند (ابوریة، ۱۴۲۰ق: ۱۳۸). چنانکه در بین اصحاب رسول خدا ﷺ نیز گروه‌هایی مانند منافقین، مرتدین و اهل فسق وجود داشتند. وجود این افراد موجب شد که احادیث منقول دستخوش آسیب و جابجایی شود که بعضی از احادیث جهت همسویی حدیث با نگرش آنان، دچار دگرگونی‌هایی شد که نتیجه آن اختلاف احادیث بوده است (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق: ۱۶۰).

۴-۲-۳. توجه به ظاهر حدیث و پیدایش اختلاف

برخی علما به ظاهر حدیث توجه کرده و از باطن آن غافل ماندند و همین مسئله موجب اختلاف برداشت‌ها در حدیث شده است (بهبهانی، ۱۴۰۴ق: ۳۸) که در مجموع می‌توان تعبیر به اختلاف فهم از متن حدیث کرد. این برداشت ظاهری به گونه‌ای بود که برخی از ایشان برخی دیگر را اهل غلو و یا بدعت‌گذار و... می‌خواندند. این شیوه بیشتر نزد قداما معمول بوده است. و گاه اختلاف ایشان به مسائل اصولیه کشیده می‌شد و برخی امور را فاسد و یا کفر، تفویض و جبر و تشبیه دانسته و گروه دیگر همین امور را جزو معتقدات می‌پنداشتند و از آن دفاع می‌کردند که همین امر نیز موجب اختلاف حدیث گردیده است (سبحانی، ۱۴۱۴ق: ۴۳۲).

۴. روش‌های حل اختلاف اخبار

در ادامه مهم‌ترین روش‌های اسباب حل اختلاف اخبار مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این روش‌ها گاهی به شیعه اختصاص دارد و گاهی به اهل سنت.

۴-۱. نزد شیعه

حل اختلافات حدیثی، دغدغه همیشه برای فقهای شیعه و اهل سنت بوده است که چگونه این مسئله را حل کنند؟ حل این مسئله زمینه‌ساز پیدایش کتاب‌های چندی در این خصوص بین شیعه و اهل سنت بوده است تا پاسخ پرسش‌های اختلاف در حوزه حدیث را بیان کنند. گاهی اختلافات حدیث ظاهری است و با اندک تأملی در جمع روایت، آن اختلاف برطرف می‌شود؛ اما گاهی نیاز به روش‌های علمی و فنی در علم الحدیث دارد که به صورت گذرا به آن اشاره می‌شود. از مهم‌ترین شیوه‌های حل اختلاف اخبار از نظر شیعه به چهار روش اشاره شده است که عبارتند از: عرضه بر سنت، عرضه بر عقل، تاریخ صحیح و اتفاق مسلمین.

عرضه بر سنت متواتره و یا مستفیض [سنت صحیح] از ملاک‌های حل اختلاف اخبار است که اعلام علماء آن را درک و دریافت کرده و بر صحت آن گواهی داده‌اند (سبحانی، ۱۴۱۹ق: ۵۹).

منطق عقل نیز مقیاس ارزشمندی برای تمییز حق از باطل و حدیث صحیح از سقیم است. چنانکه اگر ما روایاتی یافتیم که در آنها برای خدای تعالی جهت قائل شدند و روایاتی که جبر را برای انسان، اثبات و اختیار را از وی سلب می‌کنند، همگی را عقل تمییز دهنده بین صحیح و سقیم، باطل اعلام می‌کند؛ چرا که عقل بدون شوائب و اوهام به ما می‌گوید هرگاه موجودی در جهت مکانی واقع شود، موجودی محدود است و محدودیت از آثار ممکن بودن است در حالی که خدای سبحان از واقع شدن در مکان و آثار مکانیت منزله است. متأسفانه در کتب صحاح اهل سنت از روایاتی که عقل سلیم به صراحت آنها را مردود اعلام می‌کند، مانند روایاتی که خداوند را در جهان آخرت به وسیله حس بینایی قابل رؤیت می‌داند فراوان آمده است! در حالی که عقل بصراحت آن را محال می‌داند.

زیرا موجود مرئی حتماً باید در جهتی واقع شود تا قابل رؤیت حسی باشد در حالی که که قرار دادن جهت برای خدای سبحان امتناع دارد (سبحانی، ۱۴۱۹ق: ۶۳).

عرضه بر تاریخ نیز یکی از مراحل حل اختلاف الحدیث شمرده شده است. به این معنی که تاریخ صحیح آن حدیث را تأیید کند (سبحانی، ۱۴۱۹ق: ۵۹).

مراد ما از تاریخ صحیح، تاریخی است که بزرگان مسلمین بر آن اتفاق نظر داشته باشند. برای روشن شدن بحث دو نمونه ذکر می‌شود: در صحیح بخاری در باب فضائل از ابوسعید خدری نقل می‌کند که ابوبکر هنگام خواستگاری رسول خدا ﷺ از عائشه، به آن حضرت عرض کرد: «إِنَّمَا أَنَا أَخُوكَ؛ یا رسول الله! من برادر شما هستم». پیامبر ﷺ در پاسخ وی فرمود: «أنت أخي في دين الله وكتابه، وهي لي حلال؛ تو برادر من در دین خدا و کتاب او هستی و عائشه بر من حلال است» (بخاری، ۱۴۲۲ق: ۴/۵).

باز هم بخاری از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: اگر بنا بود که برادری از بین اتمم انتخاب می‌کردم ابوبکر را به عنوان برادر و همراه انتخاب می‌کردم (همان).

در اینجا تاریخ صحیح، سقیم بودن روایت اول را به ما گوشزد می‌کند؛ چرا که اگر برادر نسبی منظور باشد واضحة البطلان است؛ زیرا اگر چنین باشد پیامبر ﷺ با برادرزاده‌اش ازدواج کرده است حال آنکه در اینجا از برادری، اخوت اسلامی منظور است که در آیه شریفه بیان شده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰).

این مورد نیز از دیگر موارد اسباب حل اختلاف الحدیث است اتفاق یعنی اتفاق بر حکمی از احکام با دلیل قطعی که بین شیعه و اهل سنت در آن مورد منازعه‌ای نیست؛ پس اگر حدیثی مخالف با اتفاق مسلمین باشد آن روایت «موضوع» است که نمونه آن، حدیثی است که طحاوی در مشکل الآثار از طریق علی بن زید بن جدعان، از انس نقل می‌کند: باران سردی از آسمان باریدن گرفت که ابوظحبه به ما گفت: از آن تناول کنیم در حالی که ماه رمضان بود و او نیز روزه‌دار بود. پرسیدم که آیا روزه می‌خوری در حالیکه ماه رمضان است؟ گفت: باران خنک نازل شده از آسمان است که شکم‌هایمان را با آن پاک می‌کنیم و طعام و شراب نیست. سپس نزد رسول خدا ﷺ آمدم و آن را گزارش کردم. حضرت فرمود از عمویت آن را اخذ کن.

در تحلیل روایت فوق باید گفت اتفاق امت بر این است که مطلق اکل و شرب باطل کننده روزه است و مشخص می‌شود این حدیث ساختگی است (سبحانی، ۱۴۱۹ق: ۶۹) و لذا طحاوی نیز در مشکل الآثار درباره علی بن زید گفته: «وأنه ليس من أهل الثبيت» (طحاوی، ۱۴۰۷ق: ۱۷).

۲-۴. نزد اهل سنت

بخش از روش‌های حل اختلاف اخبار مورد توجه اهل سنت می‌باشد. مهمترین این موارد عبارتند از روش ترجیح و روش توقف به جای تساقط.

یکی از روش‌های حل اختلاف الحدیث در نزد اهل سنت روش ترجیح است. این ترجیحات گاهی در متن و گاهی در سند روایت است. این ترجیحات را تا صد و ده وجه شمرده‌اند (السوسه، ۱۴۱۸ق: ۳۳۱، ۴۲۹ - ۴۵۷). به عنوان مثال یکی از روش‌های ترجیح به گفته خطیب بغدادی، عدم اضطراب است که بر حدیث دارای اضطراب مقدم می‌شود (خطیب بغدادی، ۱۴۲۱ق: ۴۷۴).

یکی دیگر از روش‌های حل اختلاف الحدیث در نزد اهل سنت استفاده از قاعده «توقف بهتر از تساقط» است. هر چند زمانی که دو حدیث تعارض می‌کنند در نزد مشهور علما تساقط است (عراقی، ۱۴۲۰ق: ۱۱۲/۲).

۳-۴. موارد فریقینی

برخی از روش‌های حل اختلاف اخبار بین شیعه و اهل سنت مشترک هستند که عبارتند از عرضه بر قرآن.

قرآن کریم مرجع شایسته‌ای برای حل اختلاف آثار و اخبار نزد مسلمین است. عرضه حدیث بر قرآن مورد اتفاق فریقین است. بنابر معیارهای علم الحدیث اگر امکان جمع بین قرآن و حدیث وجود داشت، آن حدیث اخذ و به آن عمل می‌شود و گرنه کنار گذاشته می‌شود.

فخر رازی در تفسیر خود این حدیث نبوی را نقل می‌کند که حضرت فرمود: «إذا روی لکم حدیث فأعرضوه علی کتاب الله، فإن وافقه فاقبلوه، وإلّا فردّوه» (رازی، ۱۳۷۱ش:

۲۱/۱۱). هنگامی که سخنی از من برای شما نقل کردند پس آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید پس اگر موافق کتاب خدا و سنت من بود آن را اخذ کنید و آنچه مخالف آن بود، رد کنید (کافی، ۱۴۰۷ق: ۶۹/۱؛ طوسی، ۱۳۸۲ق: ۱۵۸/۳).

نتیجه‌گیری

علم اختلاف الحدیث یکی از موضوعات علوم حدیث است. موضوع این علم بررسی روایات اختلافی است که در یک باب وارد شده است. اختلاف الحدیث دارای گونه‌های مختلفی است. گاهی مربوط به راویان در سند و گاهی مربوط به اختلاف در متن حدیث است. در این نوشتار در باب اختلاف الحدیث دو موضوع مورد بررسی قرار گرفت:

اول: در مورد اسباب اختلاف الحدیث بود که در دو بخش اختصاصی و اشتراکی فریقین مورد بررسی قرار گرفت: تقیه تنها مورد اختصاصی شیعه بود که اهل بیت علیهم‌السلام برای حفظ کیان شیعه و دماء مسلمین در احادیث اختلاف ایجاد می‌کردند. موارد اختصاصی اهل سنت عبارتند از: تأخیر در تدوین حدیث، توهم و خطاء، از دست رفتن بینایی راوی، از بین رفتن کتاب‌ها، دسیسه زنادقه و قصه‌سازان، عدم فرق‌گذاری بین حدیث نبوی و سخن صحابه. موارد اشتراکی، اسباب اشتراکی اختلاف الحدیث بین فریقین عبارتند از: نقل به معنا، تخیل، ظهور فرقه‌های انحرافی، توجه به ظاهر حدیث و پیدایش اختلاف، ترادف لفظی.

دوم: روش‌های حل اختلاف اخبار به موارد اختصاصی و اشتراکی فریقین تقسیم می‌شود:

موارد اختصاصی شیعه عبارتند از: عرضه بر سنت، عرضه بر عقل، عرضه بر تاریخ صحیح و موارد اختصاصی اهل سنت مانند: روش ترجیح، روش توقف به جای تساقط، نسخ حدیث با حدیث دیگر و عرضه بر قرآن، تنها مورد اشتراکی بین فریقین در حل اختلاف اخبار است.

منابع

- قرآن

١. ابن جوزی، أبی الفرج عبد الرحمن بن علی بن الجوزی القرشی، (١٣٨٦ق)، *الموضوعات*، مدینه: المكتبة السلفية، اول.
٢. ابن حبان، أحمد بن حبان بن معاذ بن معبد، (١٣٩٣ق)، *الثقات*، حیدر آباد الدکن: دائرة المعارف العثمانية.
٣. ابن حجر، عسقلانی، (١٣٢٥ق)، *فتح الباری*، الثانية، بیروت: دار المعرفة.
٤. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، (١٤١٥ق)، *تاریخ مدینة دمشق: دارالفکر*.
٥. ابن منظور، محمد بن مکرم، (١٤٠٨ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
٦. ابوریه، محمود، (١٤٢٠ق)، *اضواء علی السنه المحمدیه*، قاهره: دارالمعارف.
٧. بحرانی، المحقق، (١٤٠٥ق)، *الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة*، بیروت: دارالمصطفی علیه السلام لإحياء التراث.
٨. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، (١٤٢٢ق)، *صحیح البخاری*، تحقیق و تعلیق: مصطفی دیب البغا، دمشق: دارالعلوم الإنسانية.
٩. بهیهانی، باقر الوحید، (١٤٠٤ق)، *الفوائد الرجالیة*، بی جا: بی نا.
١٠. تستری، محمد تقی، (١٤١٠ق)، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
١١. جدیدی نژاد، محمدرضا، (١٤٢٤ق)، *معجم مصطلحات الرجال والدرایة*، قم: دار الحدیث، دوم.
١٢. جزائری، ظاهر، (١٣٢٨ق)، *توجیه النظر إلى أصول الأثر*، مصر: الجمالیة.
١٣. جلالی، محمدرضا، (١٤١٨ق)، *تدوین السنه الشریفه*، الثانية، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلام.
١٤. حافظیان بابلی، ابوالفضل، (١٤٢٥ق)، *رسائل فی درایة الحدیث*، قم: دارالحدیث.
١٥. حر عاملی، محمد بن الحسن (١٤١٢ق)، *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام*، مشهد: آستان قدس رضوی.
١٦. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (١٤٢١ق)، *الکفایه فی علم الراوی*، حیدرآباد دکن: دایرة المعارف العثمانیه.

۱۷. دینوری، ابن قتیبه عبد الله بن مسلم، (۱۳۹۳ق)، تأویل مختلف الحديث، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۸. ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله (۱۳۸۲ق)، میزان الاعتدال، بیروت: دارالمعرفة.
۱۹. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰ق)، تفسیر الکبیر، بیروت: دار إحياء التراث العربی، سوم.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، بی جا: دفتر نشر کتاب، دوم.
۲۱. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۴ق)، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.
۲۲. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۹ق)، الحديث النبوی بین الروایة والدرایة، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام.
۲۳. سخاوی، شمس الدین، (۱۴۱۲ق)، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، بیروت: دار الجیل.
۲۴. سند، شیخ محمد، (۱۴۲۹ق)، بحوث فی مبانی علم الرجال، قم: بی نا.
۲۵. سوسوة، عبد المجید محمد اسماعیل (۱۴۱۸ق)، منهج التوفیق الترجیح بین مختلف الحديث واثره فی الفقه الاسلامی، بیروت: دار النفائس.
۲۶. سیستانی، سیدعلی، (۱۴۰۴ق)، الرافد فی علم الاصول، نجف: مکتب آیه الله العظمی سیستانی.
۲۷. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۴ق)، تدريب الراوی فی شرح تقریب النواوی، مدینه: المکتبة العلمیة.
۲۸. شهید ثانی، زین الدین عاملی، (۱۴۰۸ق)، الرعايه فی علم الدرایه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه.
۲۹. شوکانی، محمد بن علی بن محمد، نیل الأوطار، (۱۹۷۳م)، بیروت: دار الجیل.
۳۰. صدر، محمد باقر، (۱۴۱۷ق)، بحوث فی علم الأصول (الهاشمی الشاهرودی)، مقرر: محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی.
۳۱. صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۸۵ق)، علل الشرائع، تقدیم: السيد محمد صادق بحر علوم، نجف: منشورات مکتبه حیدریة.
۳۲. طحان، محمود، (۱۴۲۵ق)، اصول التخریح ودراسة الاسانید المیسره، اردن: دارالنفائس.
۳۳. طحاوی، ابوجعفر أحمد بن محمد الأزدی الحجری، (بی تا)، مشکل الآثار، بیروت: دار صادر.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن بن علی، (۱۳۸۲ق)، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۳۵. عتر، نورالدین محمد حسنی، (۱۴۰۶ق)، منهج النقد فی علوم الحديث، الثاني، بیروت: دار الفکر.

۳۶. عراقی، ابوالفضل زین‌الدین عبد‌الرحیم بن‌الحسین، (۱۴۲۰ق)، *نظم الدرر فی علم الأثر*، بیروت: دار المنهاج.

۳۷. عسگری، سید مرتضی، (۱۳۳۵ش)، *عبدالله بن سبأ*، ترجمه، سیداحمد فهری زنجانی و دیگران، بی‌جا: بی‌نا.

۳۸. غفاری، علی‌اکبر، (۱۳۶۹ش)، *دراسات فی علم الدراية*، تهران: جامعه الإمام الصادق علیه السلام.
۳۹. فحل‌الهیتی، ماهر یاسین، (۱۴۳۰ق)، *اثر اختلاف الحدیث فی اختلاف الفقهاء*، اردن: دار عمان.

۴۰. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۰۵ق)، *المصباح المنیر*، قاهرة.

۴۱. کلباسی، ابوالهدی، (۱۳۷۷ش)، *سماء المقال فی علم الرجال*، قم: ولی عصر علیه السلام.

۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *أصول الکافی*، ترجمه و شرح: سید هاشم رسولی، تهران: اسلامیة.

۴۳. مزی، جمال‌الدین یوسف، (۱۴۱۳ق)، *تهذیب الکمال فی اسما الرجال*، بی‌جا: بی‌نا.

۴۴. نووی، محی‌الدین ابوزکریا یحیی بن شرف، (۱۴۱۷ق)، *مقدمة علی صحیح مسلم*، لبنان: بی‌نا.